

روابط قوای قضائیه و مجریه در قلمرو سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران

aminezamani@gmail.com

امین‌الله زمانی / دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق *

دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

چکیده

سیاست جنایی یک کشور، مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که هیئت اجتماع از جمله دولت - در معنای عام آن - برای پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه به کار می‌برد. بخش عمده‌ای از این تدابیر، در وظایف و روابط قوای سه‌گانه، نهادها و سازمان‌های ساختار سیاسی یک کشور اعمال و تعریف می‌شوند. دو قوه قضائیه و مجریه نقش مهمی در سیاست جنایی و برخورد با پدیده مجرمانه در سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی ایفا می‌کنند. مبتنی بر نظام استقلال قوا در جمهوری اسلامی ایران، هر کدام از قوا دارای عملکرد مستقل در برخورد با پدیده مجرمانه‌اند؛ لیکن این استقلال را نمی‌توان بدون داشتن روابط میان آنها تصور کرد؛ چراکه این قوا برای یک کشور و در راستای مبانی و اهداف آن انجام وظیفه می‌کنند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - توصیفی در مقام پاسخ به چگونگی روابط قوای مجریه و قضائیه در قلمرو تدابیر سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و قضایی است که به نظر می‌رسد این دو قوه ضمن داشتن استقلال، دارای دو نوع روابط تعاملی و کنترلی در قلمرو سیاست جنایی تقنینی و قضایی هستند.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، قوه مجریه، استقلال قوا.

یکی از موضوعات مهم که در حوزه علوم جنایی بررسی می‌شود، علم سیاست جنایی است که ناظر بر تمامی تدابیر دولتی و غیردولتی در پاسخ به جرم و انحراف در جامعه است. سیاست در لغت به معنای اداره نمودن کشور، رعیت‌داری و نگاه داشتن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ۱۳۸۶۵). *آنسلم فون فوئر باخ*، حقوقدان کیفری آلمانی، نخستین اندیشمندی است که در سده هجدهم میلادی اصطلاح سیاست جنایی در مفهومی ناظر بر اقدامات کیفری و مجازات را به کار برد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶۰). از نظر وی، سیاست جنایی مجموعه روش‌های سرکوبگری است که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۹)؛ رویکردی که امروزه در معنای مضیق از سیاست جنایی، تحت عنوان سیاست کیفری یاد می‌شود. مفهوم سیاست جنایی پس از تعریف *باخ*، متأثر از تحولات سده نوزدهم و بیستم - که دوره پیدایش مکاتب و سازمان‌های متنوعی است - دستخوش تحولات اساسی گردید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶۱). استاد فرانسوی، *مادم مرتی*، تعریف سیاست جنایی را «مجموعه روش‌هایی می‌داند که به وسیله آن بدنه اجتماعی هیئت اجتماع پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند» (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). هیئت اجتماع، دولت و جامعه مدنی است. مفهوم پدیده مجرمانه نیز ناظر به جرم و انحراف است (لازرژ، ۱۳۷۵، ص ۵۳). در این پژوهش، ضمن تشریح ارکان سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، روابط قوای دو قوه قضاییه و مجریه را در قلمرو سیاست جنایی این نظام سیاسی تشریح خواهیم کرد.

۱. ارکان ماهوی و شکلی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران

سیاست جنایی نهادی است که در زمینه حکومت و ارزش‌های ایدئولوژی حاکم بر آن مطرح می‌شود. یکی از ایدئولوژی‌های مدعی حکومت و سیاست، ایدئولوژی اسلامی است که ساختار سیاسی آن در ایران و با نام جمهوری اسلامی ایران شکل یافته است. این شکل از حکومت، بر خلاف جنبش‌های دیگر، متأثر از مکتب دینی و اسلامی است که منشأ حاکمیت را در اراده و خواست الهی می‌داند. پیروزی انقلاب اسلامی و تولد جمهوری اسلامی ایران، از نظر تاریخی زمینه‌ساز اجرایی کردن قوانین کیفری فقه امامیه شده است (نوبهار، ۱۳۸۹، ص ۱۷). بنابراین، ضروری است که سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران نیز در مقوله حکومت آن که مطابق با اصول اول و پنجم و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی است، مطرح و تبیین گردد؛ بدین معنا که دو رکن اساسی حکومت، یعنی «اسلامیت» و «جمهوریت» نیز ارکان و تعیین‌کننده شبکه و ساختار سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. اسلامیت در شبکه سیاست جنایی، بیشتر ناظر به جهت‌گیری، تعیین مبانی و محتوای مقررات و اصول نظریات سیاست جنایی است. اسلامیت یا اسلامی بودن حکومت جمهوری اسلامی ایران بیانگر محتوای حکومت است و این بدان معناست که حکومت جمهوری اسلامی ایران با اصول و مقررات اسلامی اداره و جهت‌گیری می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۲). از منظر دیگر، اسلامی بودن حکومت به معنای ابتدائی حکومت بر مبانی

ولایی بودن حکومت است (ارسطا، ۱۳۸۹، ص ۴۷۸) و از آن جهت که قوانین و قانون اساسی آن از اسلام برگرفته شده است، اسلامی خوانده می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۹، ص ۳۰۸).

جمهور به معنای همهٔ مردم، توده و گروه است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۷۸۵۹) و اکثریت هر چیز را جمهور می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹). جمهور به معنای تودهٔ مردمی است که دارای هدف واحد و روشی یکسان اند و در اصطلاح، حکومتی که مردم آن دارای هدف مشترک و مسیر و سیرهٔ یکسان در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشند حکومت جمهور یا جمهوری می‌گویند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۲). جمهوریت در نوع حکومت اسلامی توصیف‌کنندهٔ آن است که اقامهٔ نظام اسلامی و الهی از طریق ارادهٔ عمومی مردم و خواست جمعی و مشارکت عمومی آنان است (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶). بدین ترتیب، نظام جمهوری اسلامی ایران از ماهیتی دوگانه در مشروعیت برخوردار است؛ یکی اسلامی بودن نظام و دیگری جمهوریت آن است. جمهوریت نظام دارای ارکانی است که یکی از مشخصه‌های آن، پذیرش اصل تفکیک قوا یا حداقلی از استقلال سه قوهٔ مجریه، مقننه و قضائیه از یکدیگر است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۷). تفکیک قوای حکومتی به مجریه، قضاییه و مقننه و نظارت هر قوه بر قوهٔ دیگر به منظور تعدیل همدیگر، از دیگر ویژگی‌های حکومت جمهوری است (ترنس‌بال، ۱۳۸۲، ص ۴۸).

۲. استقلال و روابط بین قوای سه‌گانه

تفکیک قوا به مقننه، مجریه و قضائیه به شکل امروزی، محصول دیدگاه‌های منتسکیو در کتاب *روح‌القوانین* است که متأثر از نظریات فیلسوفانی مانند/ارسطو و جان لاک می‌باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۰). نظریه‌پردازان دیدگاه ماهوی حاکمیت قانون، تفکیک قوا را به‌ویژه از این نظر که قدرت را محدود و کنترل می‌کند، «بهترین و عادلانه‌ترین شیوهٔ حکومت‌داری برای تحقق حاکمیت قانون می‌دانند» (راعی، عطریان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). با توجه به تقابل حکومت اسلامی با استبداد و ظلم، میان تفکیک قوا و نظام اسلامی همزیستی ایجاد شده است (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۸). الگوی مناسب و صحیح استقلال قوا در جمهوری اسلامی ایران، الگویی است که در آن، سه قوه در عرض یکدیگر و نسبتاً مستقل از هم هستند و تحت نظر رهبری اداره و هماهنگ می‌شوند. در اصل ۵۷ قانون اساسی به‌صراحت به این الگو اشاره شده (صنّعی منفرد، ۱۳۸۰، ص ۷۲) و در اصول پنجاه و هشتم^۱، شصتم^۲ و یکم^۳ تقسیم وظایف میان این سه قوه تبیین گردیده است. قوهٔ قضائیه در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران سیاست جنایی قضایی کشور را اداره می‌کند و وظایف خویش^۴ را از طریق دادگاه‌های دادگستری اعمال می‌نماید (اصل شصت و یکم قانون اساسی). برقراری نظم و اجرای قوانین در حکومت اسلامی بر عهدهٔ قوهٔ مجریه است. اعمال قوهٔ مجریه از طریق رئیس‌جمهور منتخب مردم و هیئت وزرا صورت می‌پذیرد (اصل شصتم قانون اساسی). دو قوهٔ قضائیه و مجریه، در عین داشتن روابط استقلالی، در زمینهٔ سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران دارای دو نوع روابط تعاملی و کنترلی‌اند.

۳. روابط تعاملی قوه قضائیه و قوه مجریه در قلمرو سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران

استقلال قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران بدان معناست که هر یک از قوا دارای وظایف خاصی است که در قانون اساسی بدان‌ها اشاره شده است و قوای دیگر حق دخالت در آنها را ندارند. باین‌حال، این قوا برای انجام بهتر امور خود نیازمند روابط تعاملی با همدیگرند که در حوزه سیاست جنایی ممکن است این روابط در حوزه اداری، تقنینی، اجرایی و قضایی نمود پیدا کند.

۳-۱. تعامل اداری و سیاسی در قلمرو سیاست جنایی کشور

قوه قضائیه و قوه مجریه در عین استقلال، دارای روابط اداری‌اند که مهم‌ترین این روابط در حوزه سیاست جنایی، تعیین وزیر دادگستری، روابط استخدامی و مالی است.

۳-۱-۱. تعیین وزیر دادگستری

وزیر دادگستری از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهور پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود. این امر در راستای وظایف وزیر دادگستری و تعامل بیشتر قوه قضائیه با دو قوه دیگر است (اصل یکصد و شصتم قانون اساسی). «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس‌جمهوری پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شود». رئیس قوه قضائیه نیز می‌تواند اختیارات مالی و اداری و اختیارات استخدامی غیرقضات را به وزیر دادگستری تفویض نماید (اصل یکصد و شصتم قانون اساسی). این بخش از تفویض اختیارات که شامل تشکیلات و بودجه مربوط به آن است، باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد؛ اما اختیاراتی که وزیر دادگستری به‌عنوان وزیر دولت بر عهده دارد، باید به تصویب دولت برسد (اداره کل تدوین و تفسیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۴). در حوزه سیاست جنایی، یکی از وظایف وزیر دادگستری اخذ لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضائیه و تقدیم آن به مجلس است (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۰). نظارت عام بر دادگاه‌ها و حصول اطمینان از اجرای یکسان احکام در دادگاه‌ها، مسئولیت پاسخگویی به سؤالات نمایندگان از قوه قضائیه و تشکیلات دادگستری، پیشنهاد اشخاص برای احراز مقامات عالی قضایی، پیشنهاد تغییرات و اصلاحات لازم در قوانین مرتبط، اظهارنظر درباره تأسیس و توسعه تشکیلات قضایی در سطح کشور، از دیگر وظایف وزارت دادگستری محسوب می‌شوند (بوشهری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰).

۳-۱-۲. تعامل استخدامی و اداری

مستخدمان قوه قضائیه در دو رده قضات و غیرقضات، مشغول فعالیت‌اند. افراد غیرقضات مشمول قوانین عام استخدامی‌اند که در حال حاضر قانون مدیریت خدمات کشوری بر آنان حکم فرمات؛ اما قضات از این جهت دارای قانون خاص می‌باشند (به موجب ماده ۱۱۷ قانون خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶). مطابق با اصل یکصد و بیست و

ششم قانون اساسی، «رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد» که رئیس‌جمهور نیز این امر را هم‌اکنون توسط دو معاونت، یعنی «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی» و «معاونت توسعه مدیریت و نیروی انسانی» انجام می‌دهد. قوه قضائیه نیز از این امر مستثنا نیست و باید امور اداری و استخدامی مربوط به کارمندان غیرقضات را با تعامل با قوه مجریه و از طریق وزیر دادگستری انجام دهد.

۳-۱-۳. تعامل مالی و بودجه‌ای

مطابق با اصل پنجاه و دوم قانون اساسی، بودجه سالانه کشور از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌شود. قوه قضائیه باید بودجه سالانه پیشنهادی خود را به قوه مجریه ارائه دهد و قوه مجریه نیز با دخل و تصرفاتی آن را به مجلس شورای اسلامی برای تصویب تقدیم نماید. وزیر دادگستری به‌عنوان رابط قوه قضائیه با قوای دیگر، در خصوص بودجه قوه قضائیه باید ایفای نقش کند و تلاش نماید که ابتدا این بودجه را در قوه مجریه و سپس در مجلس شورای اسلامی به تصویب برساند. مطابق با اصل یاد شده، اختیارات تام مالی قضات را نیز - با توجه به اینکه قید «غیرقضات» به «اختیارات استخدامی» بازمی‌گردد - می‌توان به وزیر دادگستری تفویض نمود. همچنین رئیس‌جمهور که مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را بر عهده دارد (اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی) می‌تواند در امور استخدامی قوه قضائیه در بخش اداری آن و به‌ویژه در جذب و استخدام مقامات سازمان تعزیرات حکومتی اقدام نماید؛ که این امر را نیز از طریق وزارت دادگستری انجام می‌دهد. با این حال، قوه مجریه می‌تواند با تغییرات و اعمال نفوذ در بودجه سالانه قوه قضائیه، نفوذ و اقتدار خود را تأثیر دهد (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۷).

۳-۲. تعامل در قلمرو سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی یکی از ابعاد سیاست جنایی محسوب می‌شود که ناظر بر فعالیت و عملکرد قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری نهادها برای مبارزه و پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲). قوه قضائیه و مجریه نیز از طریق وزارت دادگستری در تهیه و تصویب لوایح قضایی با همدیگر همکاری و تعامل دارند.

۳-۲-۱. همکاری در تهیه لوایح قضایی و تقدیم آنها به مجلس شورای اسلامی

منظور از لوایح قضایی، لوایحی است که محتوای آن مطابق با اصول فصل یازدهم قانون اساسی، به‌ویژه اصول ۱۵۶، ۱۵۷، و ۱۵۸ قانون اساسی و دیگر اصول مربوط به امور قضایی تهیه می‌شوند. لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود و دولت مستقلاً نمی‌تواند ابتکار تهیه این‌گونه لوایح را بر عهده بگیرد و هر گونه تغییر در لوایح قضایی از سوی دولت، منوط به جلب موافقت رئیس قوه قضائیه

است (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲). این لوایح ممکن است در حوزه سیاست جنایی تقنینی، اجرایی و قضایی باشند. بنابراین، در صورتی که دولت اقدام به تهیه لایحه قضایی نماید، باید حتماً آن را به تأیید ریاست قوه قضائیه برساند که این امر از طریق وزارت دادگستری صورت می‌پذیرد. لایحه قضایی نیز از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود و وزیر دادگستری به نمایندگی از قوه قضائیه، نظرات قوه قضائیه را در مجلس مطرح می‌نماید و از مفاد آن دفاع می‌کند (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

۲-۳. تهیه و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط با قوانین سیاست جنایی

قوه مجریه دارای «قوه نظام‌نامه‌ای» است که به موجب آن می‌تواند آیین‌نامه‌های ماهوی یا تصویب‌نامه‌ی مربوط به اجرای قوانین را وضع و اجرا کند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵). بنابراین، هیئت وزیران و وزیر دادگستری می‌توانند با شرایط مفاد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و در جهت اجرای قوانین مرتبط با سیاست جنایی، اقدام به وضع و تصویب آیین‌نامه کنند. آیین‌نامه‌ی اجرایی «مربوط به نحوه نگهداری و طبقه‌بندی محکومان و متهمان، اشتغال و حرفه‌آموزی آنان، برنامه‌های بازپروری، نحوه ملاقات زندانیان، نحوه اداره کانون‌های اصلاح و تربیت و کیفیت اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان در آنجا، طبقه‌بندی اطفال و نوجوانان از حیث جنس، سن، نوع جرایم و امور اجرایی این کانون‌ها و نحوه اجرای مجازات حبس»، موضوع ماده ۵۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، آیین‌نامه‌ی تهیه و تدابیر لازم برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی مطلع یا شهود در مواقعی که بیم خطر برای آنان هست، موضوع تبصره ۱ ماده ۲۱۴ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، و همچنین آیین‌نامه‌های موضوع تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درباره کیفیت اجرای مجازات تکمیلی، و آیین‌نامه‌ی موضوع ماده ۷۹ قانون مذکور در مورد تعیین انواع خدمات عمومی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و عمومی پذیرنده محکومان و نحوه همکاری آنان با قاضی اجرای احکام و محکوم، از جمله آیین‌نامه‌هایی است که به وسیله وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد که مهم‌ترین تعامل به موجب اصل یک صد و سی و هشتم قانون اساسی میان قوه مجریه و قوه قضائیه است.

۳-۳. تعامل در حوزه سیاست جنایی اجرایی

نحوه برداشت و درک و اجرای قوانین سیاست جنایی و احکام قضایی در حوزه کنترل، واکنش به پدیده مجرمانه را سیاست جنایی اجرایی می‌نامند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۶) و از آنجا که وظیفه قوه مجریه اجرای قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است، عمده این بخش از سیاست جنایی، از سوی دولت و نهادهای آن انجام می‌شود.

۳-۱-۳. وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران

وزیر کشور بر دستگاه انتظامی و پلیس نظارت و ریاست دارد و بودجه آن توسط وزارت کشور تنظیم می‌شود. یکی از وظایف قوه قضائیه که کشف و تعقیب مجرمین است (بند ۴ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی) از طریق ضابطین و پلیس انجام می‌گیرد و همکاری تنگاتنگی میان وزارت کشور و قوه قضائیه در این زمینه وجود دارد؛ ضمن اینکه وزیر کشور مسئول پاسخگویی به سؤالات نمایندگان و کمیسیون اصل نود درباره عملکرد پلیس و سیاست جنایی اجرایی است (بوشهری، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). از سوی دیگر، در حوزه سیاست جنایی اجرایی، یکی از وظایف پلیس و نیروی انتظامی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، پیشگیری از ارتکاب جرایم در سطح اجتماع است که تحت همین عنوان، یعنی پلیس پیشگیری در نیروی انتظامی تشکیل شده؛ همچنین یکی از وظایف مهم قوه قضائیه، پیشگیری از پدیده مجرمانه و اصلاح مجرمین است (بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی) که این دو نهاد می‌توانند در این زمینه همکاری‌های لازم را انجام دهند.

۳-۲-۳. وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران به هدف کشف و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی به منظور پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان بر ضد انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است (ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی) از مهم‌ترین وظایف این وزارت، همکاری اطلاعاتی با ضابطین قوه قضائیه در مبارزه و پیشگیری از جرایم ارتكابی در سطح داخلی و امنیتی کشور می‌باشد (تبصره ۱ ماده ۳ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی). این وزارت بیشتر در حوزه جرایم علیه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران با قوه قضائیه همکاری و هماهنگی دارد (بند ب ماده ۱۰ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی).

۳-۴-۳. تعامل در حوزه سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی ناظر بر فرایندهای قضایی و رویکرد علمی و نظری دستگاه قضایی است. هرچند این امر به قوه قضائیه اختصاص دارد، اما برخی از اعمال دولت و قوه مجریه نیز جنبه قضایی دارد که این امر از طریق نهادهای ذی‌ربط صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین همکاری قوه قضائیه و قوه مجریه در راستای سیاست جنایی قضایی را می‌توان در حضور مقامات قضایی در نهادهای «شبه‌قضایی» دولت مشاهده کرد که مهم‌ترین این نهادها عبارت‌اند از: سازمان تعزیرات حکومتی؛ هیئت حل اختلاف کار؛ هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری؛ ستاد مبارزه

با قاچاق کالا و ارز؛ ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و ستاد مبارزه با مواد مخدر. در هر یک از این نهادهای طرف قوه قضائیه یک مقام قضایی حضور دارد.

۴. روابط کنترلی قوه قضائیه بر قوه مجریه در قلمرو سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران

هرچند نظارت قوه قضائیه مطابق با اصل یک صد و هفتاد و چهارم قانون اساسی بر قوه مجریه به صورت عام است و همه عملکرد اداری و اجرای صحیح قوانین در دولت و سازمان‌های تابعه را شامل می‌شود، اما بنا بر مناسبت «حکم و موضوع»، این نظارت تنها در حوزه وظایف قوه قضائیه و تنها در زمینه رسیدگی به تخلفات و جرایم ارتكابی در قوه مجریه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۶۴۲).

۴-۱. نظارت بر اموال و دارایی رئیس‌جمهور و وزیران

رئیس قوه قضائیه باید بر دارایی رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان نظارت داشته باشد که برخلاف حق افزایش نیافته باشند (اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی). رئیس‌جمهور و وزیران که در رأس امور اجرایی کشور قرار دارند، اختیارات و امکانات وسیعی دارند که می‌تواند زمینه فساد مالی آنان را فراهم آورد. از همین رو، ایشان باید فهرست دارایی و اموال خود را قبل و بعد از دوران تصدی خود، به رئیس قوه قضائیه تحویل دهند.

۴-۲. رسیدگی به تخلفات رئیس‌جمهور

مطابق بند ۱۰ اصل یک صد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف رهبری عزل رئیس‌جمهور است. این امر در صورتی است که دیوان عالی کشور به‌عنوان بالاترین مرجع قضایی کشور به تخلفات رئیس‌جمهور رسیدگی و حکم قطعی را صادر کند.

۴-۳. دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری نیز به‌منظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم درباره عملکرد دولت یا آیین‌نامه‌های دولتی زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس شده است (اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی). بنابراین، اگر آیین‌نامه خلاف مقررات سیاست جنایی کشور و قوانین عادی از سوی دولت تصویب شود، مطابق با اصل یک صد و هفتادم قانون اساسی، رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان عالی کشور است.

۴-۴. خودداری از اجرای آیین‌نامه‌های خلاف مقررات

هیئت وزیران و دولت حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری، به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد (اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی). مفاد این مقررات نباید با قوانین، از جمله

قوانین سیاست جنایی تقنینی معايرتی داشته باشد (ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی) به همین دلیل، مطابق با اصل یک صد و هفتادم قانون اساسی، «قضات دادگاه‌ها مکلفاند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند».

۵-۴. رسیدگی به جرایم رئیس جمهور و وزرا

در نظام جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور و وزرا نیز مانند عموم مردم در برابر قانون مساوی و مسئول‌اند. بدین جهت «رسیدگی به اتهام یا اتهامات رئیس‌جمهور و یا معاونان و وزیران در مورد جرایم عادی، با اطلاع مجلس شورای اسلامی و در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود» (اصل یکصد و چهلیم قانون اساسی). این جرایم ممکن است در حین انجام وظیفه یا به سبب آن یا غیر از این دو باشد (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۰۳) و در صورتی که اعضای هیئت وزیران یا رئیس‌جمهور مرتکب جرم سیاسی شوند، این رسیدگی با حضور هیئت‌منصفه در دادگاه‌های دادگستری انجام می‌شود (اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی).

۶-۴. سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عالی کشور

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای امور و قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل شده است (اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی). یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه نظارت بر حسن اجرای قوانین در کشور است که گاه این نظارت به صورت نظارت درونی است و از طریق دیوان عالی کشور و برای اجرای صحیح قوانین در محاکم دادگستری صورت می‌پذیرد؛ و گاه این نظارت، بر سایر قواست که مطابق آن قوه قضائیه می‌تواند در موارد تخلف از اجرای قوانین، به مقامات مسئول اخطار دهد و مقامات مسئول نیز موظفاند به موجب اصل یک صد و هفتاد و چهارم قانون اساسی به این اخطارها توجه کنند (اداره تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵).

۷-۴. نظارت بر تغییرات دولت درباره لوایح قضایی

هرچند مطابق بند ۲ اصل یک صد و پنجاه و ششم قانون اساسی تهیه لوایح قضایی از وظایف رئیس قوه قضائیه دانسته شده است، اما نحوه ارائه این لوایح به مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی مشخص نشده است. بنابراین با توجه به واژه «لایحه» به نظر می‌رسد که این لوایح نیز باید مشمول تشریفات اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی شود و از طریق دولت و هیئت وزیران به مجلس ارائه و تقدیم شود. در مورد اینکه آیا هیئت وزیران می‌توانند این گونه لوایح را جرح و تعدیل و سپس تصویب کنند و یا اینکه بدون تغییر آن را به مجلس ارائه دهند، دو نظر وجود دارد (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۸) باین حال، شورای نگهبان در

نظریه تفسیری خود اظهار داشته است که هیئت وزیران تنها در موارد غیرقضایی می‌توانند تغییرات احتمالی و اصلاحاتی را در لوایح قضایی انجام دهد؛ ولی در امور قضایی، هر گونه تغییر باید با جلب نظر رئیس قوه قضائیه انجام شود (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲).

۵. رابطه کنترل قوه مجریه بر قوه قضائیه

قوه مجریه در واقع مجری قانون است و در همین راستا بیش از آنکه بر قوای دیگر کنترل داشته باشد، خود تحت کنترل و نظارت قرار می‌گیرد. مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت می‌تواند در شرایطی بر رفتارهای قوای دیگر نظارت و گاه رویکردی کنترل داشته باشد.

۵-۱. مسئولیت اجرای اصول کیفری قانون اساسی

پاسداری اجرای اصول قانون اساسی مطابق اصل یکصد و سیزده قانون اساسی با رئیس جمهور است. قوه مجریه می‌تواند از طریق وظیفه مسئولیت اجرای قانون اساسی، بر قوای دیگر نظارت داشته باشد. البته این کنترل به صورت مداخله نیست؛ بلکه طبق یک نظریه، رئیس جمهور می‌تواند مواردی را که به وسیله قوای دیگر از حدود قانونی خود خارج شده‌اند، با تذکر قانون اساسی اعلام کند (صنعی منفرد، ۱۳۸۰، ص ۷۶)؛ در صورتی که پاسخ قانع‌کننده نباشد، موضوع به کمیسیون اصول ۹۰ یا ۸۸ ارجاع داده خواهد شد. در خصوص این مسئولیت، رئیس جمهور می‌تواند «از مقامات مسئول اجرایی، قضایی و نظامی توضیحات رسمی را بخواهد و مقامات مذکور نیز موظف‌اند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری قرار دهند و هنگامی که جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص دهد، اقدامات لازم را معمول دارد» (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳).

۲- ۵. اعمال تغییرات در بودجه نظام قضایی کشور

دولت بودجه نهادهای دولتی به معنای عام را - که شامل نهاد قوه قضائیه و سایر نظام‌های مرتبط با سیاست جنایی، از جمله نهادهای پیشگیری‌کننده از جرم است - برای تصویب و رسیدگی به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می‌کند (اصل پنجاه و دوم قانون اساسی). دولت و رئیس‌جمهور می‌توانند با دخالت و جرح و تعدیل بودجه سیاست جنایی کشور، بر سیاست‌گذاری و تصمیمات اجرایی قوه قضائیه اعمال کنترل و نظارت داشته باشند.

۳- ۵. خودداری از امضای قوانین سیاست جنایی

مطابق با اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی رئیس‌جمهور موظف است که قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی را پس از طی مراحل قانونی امضا کند و برای اجرا در اختیار نهادها و سازمان‌های مربوطه قرار دهد.

باین حال، رئیس‌جمهور می‌تواند در راستای پاسداری از قانون اساسی، از امضای قوانینی - از جمله قوانین مرتبط با حوزه سیاست جنایی - که موجب عواقب سوء و بروز خطراتی برای کشور باشد، خودداری کند (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶).

نتیجه‌گیری

اصل استقلال قوا در نظام جمهوری اسلامی ایران، منبعث از شاخص جمهوریت نظام بوده و در سطح قوا و نهادهای زیرمجموعه آنها حاکم است؛ باین حال این نهادها در راستای کارکرد هرچه بهتر در حوزه سیاست و اداره کشور و نظم عمومی روابطی با یکدیگر دارند. یکی از قلمروهایی که این قوا ضمن داشتن استقلال، با یکدیگر همکاری دارند، حوزه تدابیر و سیاست‌های اتخاذشده در پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است که از آن به سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران نام برده می‌شود. در این رویکرد، دو قوه مجریه و قضائیه در سطوح اداری، تقنینی، قضایی و اجرایی، دو نوع رابطه تعاملی و کنترلی دارند. روابط اداری، مالی، استخدایی، تهیه لوایح قضایی، تقدیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی، تعیین وزیر کشور، همکاری با وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات، ناظر به رویکرد تعاملی بین این دو قوه است؛ و نظارت بر اعمال تغییرات هیئت وزیران در لوایح قضایی، محاکمه رئیس‌جمهور و وزراء، نظارت بر آیین‌نامه‌های دولتی از طریق دیوان عدالت اداری، و همچنین خودداری قضات از اجرای آیین‌نامه‌های خلاف شرع، خودداری رئیس‌جمهور از امضای قوانین سیاست جنایی، و تذکر قانون اساسی به قوه قضائیه، بر رویکرد کنترلی بین دو قوه تأکید می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصل پنجاه و ششم قانون اساسی: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.
۲. اصل شصتم قانون اساسی: اعمال قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً بر عهده رهبری گذاشته شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزراست.
۳. اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.
۴. مهم‌ترین وظایف قوه قضائیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از:
(الف) رسیدگی و صدور حکم؛ (ب) گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ (ج) نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ (د) کشف، تعقیب جرم و اجرای مجازات‌ها؛ (ه) پیشگیری از پدیده مجرمانه و اصلاح مجرمین؛ (و) تهیه لوایح قضایی؛ (ز) ایجاد تشکیلات دادگستری.

منابع

- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۸۶، *مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ ششم، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات.
- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۲، «ویکردی به مردم‌سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ش ۲۰، ص ۱۳۷-۱۶۸.
- ارسطا، مجمد جواد، ۱۳۸۹، *نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران*، چ دوم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- بوشهری، جعفر، ۱۳۷۶، *مسائل حقوق اساسی*، تهران، نشر دادگستر.
- ترنس بال، ریچارد دگر، ۱۳۸۲، *ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان دموکراتیک*، ترجمه احمد صبوری، تهران، وزارت امور خارجه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۰، *ترمینولوژی حقوق*، چ یازدهم، تهران، گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، *ولایت فقیه و ولایت فقاهت و عدالت*، چ ششم، قم، اسراء.
- حسینی، سیدمحمد، ۱۳۸۳، *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- راعی، مسعود، عطریان، فرامرز، ۱۳۹۱، «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *حکومت اسلامی*، ش ۶۳، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- صنّعی منفرد، محمد علی، ۱۳۸۰، «استقلال قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *حکومت اسلامی*، ش ۲۲، ص ۵۱-۸۳.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۵، *حقوق اساسی ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
- عیوضی، محمدرحیم، ۱۳۸۹، «مقایسه مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، *راهبرد یاس*، ش ۲۱، ص ۲۸۹-۳۱۱.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۷۳، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران، نشر یلدا.
- قیاسی، جلال الدین، ۱۳۸۵، *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، *بیرامون جایگاه و حوزه صلاحیت قوه قضائیه، جایگاه و نقش وزارت دادگستری*، تهران، دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لازرژ، کریستین، ۱۳۷۵، *سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مؤسسه نشر یلدا.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی.ؑ
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۷۹، *تقریرات درس تاریخ تحولات کیفری*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، جزوه شماره ۸.
- ____، ۱۳۷۹، *تقریرات درس سیاست جنایی*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، جزوه شماره ۱۶.
- نوبهار، رحیم، ۱۳۸۹، *اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی، چشم‌اندازی اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۷۵، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چ دوم، قم، مجتمع آموزش عالی قم، جلد دوم.